



بیان مادرانه در اشعار پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد

فرانک شاهمرادی^۱ (نویسنده مسؤول)

عضو هیئت علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی قروه

محمدهادی ثامنی^۲

استادیار گروه زبان دانشگاه علوم پزشکی جهرم

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۸/۲۰

چکیده

بیان احساسات و عواطف همواره جایگاهی ویژه در شعر زن داشته است. از جمله اصلی ترین این عواطف می توان از عاطفه مادرانه نام برد. در دوره معاصر و همزمان با گسترش حضور زنان در اغلب عرصه های هنری در اقلیم عالم، پروین اعتصامی^۱ و فروغ فرخزاد^۲ شعرای بزرگ ایرانی نیز به بیان این عواطف در شعر خویش پرداختند. این مقاله که به روش قرائت نزدیک تهیه گردیده است کنکاشی مقابله ای در مقوله بیان مادرانه و اهداف آن در

1. Email: faranak_shahmoradi@yahoo.com

2. Email: hadisameni@gmail.com

سروده‌های این دو شاعر بوده، و در این راستا عوامل موثر در شکل‌گیری دیدگاه‌های آنان از قبیل عوامل اجتماعی و ادبی نیز مورد بررسی و مذاقه قرار گرفته است. بررسی این عوامل و اشعار این دو شاعر گویای آن است که اعتصامی با وجود صلابت شعری بی‌نظیر دیدگاهی عمدتاً انسان دوستانه دارد. او سعی در اصلاح آنچه نمی‌پسندد از طریق پند و اندرز داشته و اهمیت مادر را در همین چهارچوب برجسته می‌سازد. از سوی دیگر، شعر فرخزاد بیشتر زبان مادرانه‌ای را برجسته می‌سازد که تمایل به گفتگو با مخاطب خویش که عمدتاً زن می‌باشد دارد تا او را به ایستادگی در برابر مردان ترغیب نماید.

کلمات کلیدی: شعر زن، بیان مادرانه، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد

۱. مقدمه

شعر و شاعری در ایران تاریخچه‌ای طولانی داشته و آثار به جا مانده از نویسندگان این مرز و بوم در زمره برترین سروده‌های ادبی جهان می‌باشد. با این همه، مشارکت زنان در عرصه منظومات ادبی تا آغاز سده بیستم ناچیز و در قیاس با مردان قابل توجه نمی‌باشد. عمده آثار نویسندگان زن یا از میان رفته و یا توسط تذکره‌نویسان و کاتبان مرد تحریف و مخدوش گردیده. این شعراي معدود زن نیز اغلب از طبقات اعیان و اشراف بوده یا به خانواده‌های علم و ادب تعلق داشتند. بدینسان، دسترسی آنان به خواندن و نوشتن و امر سوادآموزی میسر شده است. ضمناً نوشته‌های این نویسندگان بیشتر جنبه تفننی داشته و کمتر هیجان و عاطفه‌ای برخاسته از زندگی شخصی شان بوده است. بررسی اشعار تنی چند از نویسندگان برجسته زن جایگاه شعر در زندگی آنها و پاره‌ای از دغدغه‌های عاطفی و احساسی آنان را در سروده‌هایشان به نمایش می‌گذارد.

شعر مکتوب زن در ایران با نام رابعه قزداري آغاز می‌شود. رابعه قزداري متولد قرن چهارم هجری است. او که از خانواده‌ای متمول در ناحیه سیستان و بلخ بوده، اولین سراینده زن پس از دوره اسلامی و مبتکر ملامح در شعر فارسی است. ذبیح الله صفا در *تاریخ ادبیات در ایران* ابیاتی چند از رابعه را درج نموده که گزیده آن چنین است:

مرا بعشق همی محتمل کنی بحیل / چه حجت آری پیش خدای عزوجل
بعشقت اندر عاصی همی نیارم شد / به ذنبم اندر طاغی همی شوی بمثل...

هر آینه نه دروغ است آنچه گفت حکیم/ فمن تکبر یوماً فبعد غز ذل. (ج ۱، ۴۰۵)
شعر رابعه بازتاب عواطف عشقی نافرجامش به برده‌ای بکتاش نام است، که وی سعی در
کتمان آن دارد.

مهستی گنجوی، یا به قول تاجیکان مهستی خجندی، خالق رباعیات موسوم به
شهر آشوب در شعر فارسی است. او که متولد قرن ششم هجری و معاصر سلطان سنجر
سلجوقی است، احساسات و عواطف خویش را در وصف کسبه و پیشه وران شهر خویش
متجلی می‌سازد:

قصاب منی و در غمت می جوشم/ تا کارد به استخوان رسد می کوشم
رسم است ترا که چون کشی بفروشی/ از بهر خدا اگر کشی مفروشم. (Rahman Rajabi 49)
اشعار مهستی تلفیقی از زیبایی‌های شعر، مهارت‌های ادبی، و کولاژی از مشاغل و
حرف معاصر شاعر است که وی هنرمندانه به خلق آن دست می‌زند.
شاعر پر آوازه زن در قرن هشتم جهان ملک خاتون است. نسبش به خاندان اینجو در
فارس می‌رسد و صاحب غزلیات نغز و دلنشین متعدد می‌باشد. صفا در مجلد دوم تاریخ
ادبیات در ایران/ گزیده‌ای از سروده هایش را نقل می‌کند. شعر زیر برگرفته از کتاب مذکور
می‌باشد:

دلبر برفت و بر دل تنگم نظر نکرد/ وز آه سوزناک جهانی حذر نکرد
بگرفت اشک ما دو جهان سربسر ولی/ آن بی‌وفا ز لطف سوی ما گذر نکرد. (۱۸۳)
عشق درونمایه اصلی شعر فوق است و شاعر از جدایی از معشوق جفاکار شکوه می‌کند.
جهان ملک خاتون هم عصر و همشهری حافظ شیراز است و شعر این دو شباهت فراوان در
قلب و محتوا دارد.

دیگر شاعر پر آوازه زن در ایران زمین طاهره قزوینی^۳ است. شعر او دارای ساختاری
بی‌نقص، واژگانی دلنشین، و غنی از مفاهیم و درونمایه‌های عارفانه است. ابیات زیر به نقل از
آرین پور شاهی بر این مدعا می‌باشد:

گر نظر افتدم به تو چهره به چهره رو به رو/ شرح دهم غم تو را نکته به نکته مو به مو
از پی دیدن رخت همچو صبا فتاده‌ام/ خانه بخانه در بدر کوچه به کوچه کو به کو
میرود از فراق تو خون دل از دو دیده‌ام/ دجله بدجله یم به یم چشمه به چشمه جو

بجو...

در دل خویش طاهره گشت و ندید جز تو را / صفحه به صفحه لا به لا پرده به پرده تو به تو. (۱۳۲)

در ابیات فوق شاعر به وصف دلتنگی خود در غم جدایی از معشوق می‌پردازد و معشوق کسی نیست مگر پیر و مراد شاعر. اشعار عرفانی طاهره تداعی کننده تعلقات مولانا به مرادش شمس تبریز می‌باشد و به همان سبک و سیاق سروده شده است. میزان تسلط طاهره بر دقایق و ظرایف ادب فارسی و عربی چنان است که بعضاً به نظر می‌رسد صلابت و زیبایی سروده‌هایش بیشتر از اشعار همتایان مذکورش می‌باشد. با این همه، همانگونه که پیشتر سخن رفت، روند مشارکت زنان در قلمرو ادبی تا آغاز دوره احیای ادبی پراکنده بوده و فراگیر نمی‌باشد.

دوره احیای ادبی در ایران، از سده هجدهم میلادی، و نوگرایی از اواخر نیمه اول قرن بیستم میلادی آغاز گشته و مشارکت گسترده زنان در عرصه هنر و ادب را به دنبال دارد. ظهور این دو جنبش ادبی واکنش هنر و هنرمند آن زمان به وقایع سیاسی و تغییراتی است که به دلیل صنعتی شدن جوامع بشری اتفاق می‌افتد. دوره احیای ادبی در ایران شرایط را برای حضور گسترده زنان در امور مختلف اجتماعی آماده می‌سازد. شعرای زن در این دوره، به تدریج، به بیان دغدغه‌های خویش و گفتگو با مخاطبان‌شان می‌پردازند. درونمایه عمده آثار این دوره سیاسی است و زنان در شعر خویش به تهنیت و ترغیب عواطف و احساسات ناسیونالیستی اهتمام می‌ورزند. پروین اعتصامی متولد سال ۱۲۸۵ هجری یا ۱۹۰۷ میلادی در تبریز (سید رضایی ۱۳۸۹) در زمره شعرایی است که به این دوره ادبی تعلق دارد.

مدرنیسم یا نوگرایی در واقع واکنشی همه جانبه در کلیه عرصه‌های هنری علیه ارزش‌ها و قراردادهای تثبیت شده عصر ویکتوریایی است. یکی از ویژگی‌های مکتب نوگرایی، در هم شکستن قیود اجتماعی است که زن را به شرکت گسترده تر در صحنه شعر و ادب ترغیب می‌کند. این برهه مهم تاریخی فراهم کننده فرصتی بی نظیر برای زنان است تا مهر سکوت از زبان برداشته و افکار و پرسش‌های بی پاسخ خود را در باب مناسبات اجتماعی با مردان اظهار کنند. این کیفیت نو گرایانه در شعر زن، آن شعر را از شعر مردان متمایز ساخته و در مقام مقایسه آن را به گفتمانی جهت دار و آگاهانه بدل کرده است. زن نوگرا نه تنها به بیان دغدغه‌های خویش و گفتگو با مخاطبان‌ش می‌پردازد، بلکه بر اثبات هویتش به عنوان یک زن و پافشاری بر حقوق خود اصرار ورزیده و زبانش را به ابزاری برای اعتراض و مقاومت در برابر

محوریت مرد بدل می سازد. فروغ فرخ زاد، متولد سال ۱۳۱۳ هجری یا ۱۹۳۵ میلادی (پوران فرخزاد ۱۴)، در زمره پیشگامان این سبک و سیاق شعری در ایران است.

۱.۲. نقش مادرانه در اشعار پروین اعتصامی

مادر و نقش مادرانه در اشعار پروین اعتصامی دارای مقامی والا و در خور تکریم است. اینکه اعتصامی در زندگی کوتاهش مجال مادر شدن را به صورت بیولوژیکی نمی‌یابد، اهمیت چندانی ندارد. او در مقام یک نویسنده یا به قول "چینوآ آجبه"،^۵ نویسنده برجسته نیجریایی یک معلم (۲۰۱۵) به خوبی به وظایف مادرانه واقف است و در اشعار متعدد آن را آموزش می‌دهد. اعتصامی شاعر بر این باور است که نخستین ویژگی مادر مهرورزی و عشق بی‌قید و شرط او به فرزندست. او در شعر "حدیث مهر" در قالب تمثیل اخلاقی گفتگوی گنجشک و کبوتر این موضوع را به مخاطبش گوشزد می‌کند:

گنجشک خرد گفت سحر با کبوتری / کآخر تو هم برون کن از این آشیان سری...
 آفاق روشن است چه خسبی به تیرگی؟ / روزی بپر، بین چمن و جویی و جری
 در طرف بوستان، دهن خشک تازه کن / گاهی ز آب سرد، گه از میوه تری...
 گفتا حدیث مهر بیاموزدت جهان / روزی تو هم شوی چو من ایدوست مادری
 گرد تو چون که پر شود از کودکان خرد / جز کار مادری نکنی کار دیگری
 روزی که رسم و راه پرستاریم نبود / می‌دوختم به سان تو، چشمی به منظری...
 خوشبخت، طایری که نگهبان مرغکی است / سرسبز، شاخکی که بچینند از آن بری
 شیرین نشد چو زحمت مادر، وظیفه‌ای / فرخنده تر ندیدم از این، هیچ دفتری...
 (دیوان پروین اعتصامی ۲۰۹)

در شعر فوق، شاعر معتقد است که درک "حدیث مهر" تنها از عهده کسی برمی‌آید که مادر بودن را تجربه کند. در مصراع دیگر شاعر از مادر به عنوان "پرستار" یاد می‌کند. این دیدگاه شباهت زیادی به تبیین روانشناسانه (Keirse ۱۹۹۸) نقش مادرانه دارد که از آن منظر بزرگترین نقش مادر حفاظت از فرزند است. کی رسی مادر ترزا را نماد برجسته این نقش معرفی می‌کند. از سوی دیگر، ماندن در "آشیان" را می‌توان اشاره‌ای تلویحی به زندگی محدود در منزل تلقی کرد که مادر آگاهانه آن را پذیرفته است.

اعتصامی عزت فرزندان را ناشی از مادر می‌داند و حزن یتیمی را در چهره کودکی مشاهده می‌کند که بنابر عقیده بسیاری از ایرانیان، از نعمت داشتن مادر بی‌بهره است. او در

قطعه‌ای از شعر "طفل یتیم" می‌گوید:

کودکی کوزه‌ای شکست و گریست / که مرا پای خانه رفتن نیست...
 روی مادر ندیده‌ام هرگز / چشم طفل یتیم، روشن نیست
 کودکان گریه می‌کنند و مرا / فرصتی بهر گریه کردن نیست
 دامن مادران خوش است، چه شد / که سر من، به هیچ دامن نیست
 خواندم از شوق، هر که را مادر / گفت با من، که مادر من نیست...
 (دیوان پروین اعتصامی ۳۰۱-۳۰۰).

و به همین منوال، اعتصامی در شعر "تیره بخت" از زبان دخترکی یتیم سخن می‌گوید که در محفل شادی و طرب به دلیل آراسته نبودن، مضحکه‌دوستانش گردیده است. اعتصامی احساسات دخترک بی‌مادر را بدینسان منظوم می‌سازد:

دختری خرد شکایت سر کرد / که مرا حادثه بی‌مادر کرد...
 دیگری آمد و در خانه نشست / صحبت از رسم و ره دیگر کرد
 موزه سرخ مرا دور فکند / جامه‌ی مادر من در بر کرد...
 نزد من دختر خود را بوسید / بوسه‌اش کار دو صد خنجر کرد
 عیب من گفت همی نزد پدر / عیب جوئیش مرا مضطر کرد...
 شب به جاروب و رفویم بگماشت / روزم آواره‌ی بام و در کرد
 مادرم مرد و مرا در یم و دهر / چو یکی کشتی بی‌لنگر کرد... (۱۹۴-۱۹۳)

شعر فوق روایت ایرانی و زیبای اعتصامی از کهن الگوی سیندرلاست که در فقدان مادر متحمل رنج و تعب بسیار می‌گردد. اما در این نسخه ایرانی، شاهزاده یا نجات دهنده‌ای وجود ندارد که زندگی سیندرلا را دگرگون سازد. زندگی دخترک بی‌مادر بیشتر به دخترک کبریت فروش کریستیان آندرسن می‌ماند که محتوم به زندگی در دنیای حقیقی است و می‌داند که "زادن و کشتن و پنهان کردن / دهر را رسم و ره دیرین است" و چاره‌ای بجز "تسلیم و ادب و تمکین" در برابر تقدیر نیست (بهترین اشعار پروین اعتصامی ۹۶). لذا شاعر می‌کوشد با تهییج حس همدلی در خواننده وی را ترغیب به عنایت و بذل کمک بیشتر به درماندگان و به ویژه یتیمان نماید.

شفقت و دلسوزی شاعر نسبت به یتیمان حتی شامل جانوران نیز می‌گردد. در شعر "ای گربه" وی از گربه‌ای سخن می‌گوید که فرزندانش را رها کرده و آنان در انتظار بازگشت مادر،

آشفته و آواره سر به دامن گربه‌های دیگر نهاده‌اند:

ای گربه ترا چه شد که ناگاه/ رفتی و نیامدی دگر بار...

خفتند نژند روزکی چند/ در دامن گربه‌های دیگر

فرزند ز مادر است خرسند/ بیگانه کجا و مهر مادر... (دیوان پروین اعتصامی ۱۴۸-۱۴۷)

در مصاریع فوق شاعر استعاره جدایی مادر از فرزند را به شکلی ماهرانه در وصف گربه

مادر به کار می‌گیرد تا آن را به عنوان عملی مذموم و ددمنشانه تقبیح نماید.

ویژگی مادرانه دیگر اعتصامی ایمان راسخ او به خداوند است که در شعر "لطف حق"

آنجا که با مادر موسی همذات پنداری می‌نماید تجلی می‌یابد:

مادر موسی، چو موسی را به نیل/ درفکند از گفته رب جلیل

خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه/ گفت کای فرزند خرد بی گناه

گر فراموش کند لطف خدای/ چون رهی زین کشتی بی ناخدای...

و آنگاه که می‌ترسد مهر مادرانه خللی در ایمانش وارد کرده و او را اسیر شک و تردید

سازد می‌گوید:

وحی آمد کاین چه فکر باطل است/ رهرو ما اینک اندر منزل است...

در تو تنها عشق و مهر مادری است/ شیوه ما عدل و بنده پروری است...

(نفل از حاکمی ۳۷)

نکته جالب در این شعر که شباهت زیادی به اشعار عرفانی رومی دارد، پیش کشیدن

اتصال الهی مادر موسی به منبع وحی و الهام است که از نظر شاعر پیش از اتصال موسی به

سرچشمه وحی صورت می‌گیرد. این دیدگاه اعتصامی شباهت قریبی به اندیشه کرول پی.

کرایست (۲۶-۱۳) دارد که معتقد است زنان به دلیل تعلقات کمتر مادی، قابلیت رشد معنوی

و عرفانی بیشتری نسبت به مردان دارند. در پرتو چنین دیدگاهی است که اعتصامی در شعر

"فرشته انس" اشعار می‌دارد که مردان بزرگ و صاحب آوازه همه در کودکی دست پرورده

مادرانی بزرگ بوده‌اند:

فرشته بود زن آن ساعتی که چهره نمود/ فرشته بین که بر او طعنه می‌زند شیطان

اگر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ/ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان

به گاهواره مادر کودکی بس خفت/ سپس به مکتب حکمت حکیم شد لقمان

چه پهلوان و چه سالک، چه زاهد و چه فقیه/ شدند یک سره شاگرد این دبیرستان...

(نقل از سلیم ۱۷۳-۱۷۲)

اعتصامی در قطعه فوق با برجسته کردن نقش مادر در پرورش کودک گوشه چشمی به روابط مرد و زن انداخته و تلویحاً از انقیاد زن توسط مرد انتقاد می‌کند. او نادیده گرفتن نقش زن را به عنوان عملی شیطنانی تلقی کرده و آن را محکوم می‌کند.

اشعار اعتصامی نشاندهنده اقتدار و مهارت ادبی تحسین برانگیز شاعری است که با نکته سنجی و زیبایی فراوان به گفتگو و تبادل نظر با خوانندگان زمان خویش می‌پردازد و توجه آنان را به معضلات زندگی زنان جلب می‌کند. وی در زمینه گزینش قالب‌های شعری، از اشکال کلاسیک شعر پارسی بهره می‌گیرد تا با بزرگان ادب فارسی کوس برابری زند، اما مضامین سروده‌هایش بدیع، پویا و با اصالت است. این امر را می‌توان تا اندازه‌ای حاصل آشنایی اعتصامی با زبان انگلیسی و طبعاً نهضت روشنفکری غرب نقش دانست. بهرروی، این شاعر جایگاهی بزرگ در ادب فارسی داشته و تکوین سنت ادبی زن مرهون همت والا و مشارکت اوست.

۲.۲. نقش مادرانه در اشعار فروغ فرخزاد

مادر و نقش مادرانه در اشعار فروغ فرخزاد ویژگی‌های خاص خود را دارد که عمدتاً متأثر از زندگی زناشویی ناموفق وی می‌باشد. در اشعاری از این دست همواره چندین لایه احساسی قابل مشاهده است. حزن و مویه‌های مادرانه، نومییدی از وصال فرزند، تنهایی و درماندگی مادر و بالاخره خشم و طغیان از عناصر برجسته این اشعار می‌باشد. فرخزاد حدوداً دو سال پس از ازدواجش در سن ۱۶ سالگی اولین و تنها فرزندش را به دنیا می‌آورد و مادر شدن در زندگی را به صورت بیولوژیک تجربه می‌کند. اما به دنبال جدایی از همسرش و اینکه دادگاه طلاق را مشروط به واگذاری حضانت فرزند به شوهر می‌نماید، از دیدار فرزند محروم می‌گردد. "اسیر" اولین سروده مادرانه فرخزاد در مجموعه اشعار اوست:

ترا می‌خواهم و دانه که هرگز/ به کام دل در آغوشت نگیرم...
 در این فکرم که در یک لحظه غفلت/ از این زندان خامش پر بگیرم...
 در این فکرم من و دانه که هرگز/ مرا یارای رفتن زین قفس نیست
 اگر هم مرد زندانبان بخواهد/ دگر از بهر پروازم نفس نیست
 ز پشت میله‌ها هر صبح روشن/ نگاه کودکی خندد برویم
 چو من سر می‌کنم آواز شادی/ لبش با بوسه می‌آید بسویم... (۲۶-۲۷)

شعر فوق حاوی اغلب احساسات و عواطف مذکور می‌باشد. در مطلع شعر شاعر اذعان می‌دارد که نمی‌تواند عشق مادرانه را در زندگی روزمره تقدیم فرزندش نماید. او مرد سمبولیک یا به عبارتی مرد سالاری را که به زندانبان تشبیه می‌کند عامل این نابسامانی می‌داند. لذا در قلمرو شعر، بر آن شوریده و خشم و طغیانش را بروز می‌دهد. شعر "بیمار" نمونه دیگری از مادرانه های شاعر است:

طفلی غنوده در بر من بیمار/ با گونه‌های سرخ تب آلوده

با گیسوان درهم آشفته/ تانیمه شب ز درد نیاسوده

هر دم میان پنجه‌ام لرزد/ انگشتهای لاغر و تبارش

من ناله می‌کنم که خداوندا/ جانم بگیر و کم بده آزارش... (۸۲)

در شعر فوق مادر پرستاری دلسوز و نگران است که برای سلامت فرزند آماده فداکاری و از جان گذشتگی است. نقش حفاظتی مادر از دیدگاه روانشناسانه، همانگونه که در شعر اعتصامی مشاهده گردید، در اینجا نیز مشهود است.

"خانه متروک" موردی دیگر از غم جدایی مادر از فرزند را به نمایش می‌گذارد. شاعر در

این شعر خویش در جستجوی آرامش و تسکین غم دوری از فرزند می‌باشد:

دانم اکنون کز آن خانه دور/ شادی زندگی پر گرفته

دانم اکنون که طفلی به زاری/ متم از هجر مادر گرفته...

لیک من خسته جان و پریشان/ میسپارم ره آرزو را

یار من شعر و دلدار من شعر/ میروم تا بدست آرم او را... (۹۳)

چهار مصراع اول در بخش دیگری از شعر تکرار می‌شود و بدین وسیله شاعر بر مضامین و عواطف بان شده در شعر تأکید می‌کند.

"دیو شب" حاوی احساس تنفر از خود و یا احساس بی‌لیاقتی است. این احساس منجر

به نفی شاعر توسط خویش می‌گردد. دیو شب که موجودی افسانه‌ای است می‌کوشد کودک

شاعر را برباید و مادر به دلیل گناهانش توانایی لازم برای دفاع و حمایت از کودک را ندارد:

لای لای، ای پسر کوچک من...

آه، بگذار که بر پنجره‌ها/ پرده‌ها را بکشم سرتاسر

با دو صد چشم پر از آتش و خون/ می‌کشد دم به دم از پنجره سر...

ناگهان خامشی خانه شکست/ دیو شب بانگ برآورد که آه

بس کن ای زن که نترسم از تو / دامنت رنگ گناه است، گناه
 دیوم اما تو ز من دیو تری / مادر و دامن ننگ آلوده!
 آه بردار سرش از دامن / طفلک پاک کجا آسوده... (۴۷-۴۹)
 در این شعر فرخزاد اشاره به دغدغه زناهای به نام گناه می‌نماید. این دغدغه حتی در
 تصویر فروغ از مادرش نیز مشاهده می‌گردد:

مادر همیشه در ته هر چیزی
 به دنبال جای پای معصیتی می‌گردد
 و فکر می‌کند که باغچه را کفر یک گیاه آلوده کرده است
 مادر گناهکار طبیعی است
 مادر تمام روز دعا می‌خواند
 و فوت می‌کند به تمام گل‌ها
 و فوت می‌کند به تمام ماهی‌ها

شکل‌گیری این ذهنیات به گفته شهرنوش پارسی پور (فرخزاد، پوران ۶۷) ناشی از
 تعریف هویت و شخصیت زن بر اساس رفتارهای جنسی وی می‌باشد؛ اینکه شاعر این کدها را
 به چالش کشیده موجبات بروز حس تنفر و یا حتی نفی خویش در وی گردیده است. نیز
 اعتراف شاعر به عبور از این کدهای اخلاقی ابزاری ضمنی برای نمایش مقاومت و اعتراض وی
 به این کدهاست. وبالاخره لحن شعر که به صورت نجوایی درونی می‌باشد و در قالب شعر نو
 ریخته شده، به گونه‌ای زیبا پس زمینه مناسب برای گفتگوی شاعر با خواننده را فراهم
 ساخته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. رخشنده اعتصامی، متخلص به پروین در سال ۱۲۸۵ شمسی در تبریز متولد شد. وی
 در کودکی به تهران آمد و تا پایان عمر کوتاهش در آنجا زیست. پدرش یوسف اعتصامی
 مردی روشنفکر و نویسنده بود. وی اهتمام ویژه‌ای به تعلیم و تربیت و پرورش استعداد
 شعری دخترش داشت و مقدمات ادبیات فارسی و عربی را خود به او آموخت. پس از آن
 پروین وارد مدرسه دخترانه آمریکایی شد و دوران تحصیل را در آنجا گذراند. در سال ۱۳۱۲ با
 پسر عموی پدرش ازدواج کرد و به کرمانشاه رفت، اما این وصلت دیری نپایید و شاعر پس از

دو ماه و نیم زندگی مشترک از همسرش جدا شد و به تهران بازگشت. او در فروردین ماه ۱۳۲۰ در سن ۳۵ سالگی به بیماری حصبه درگذشت.

۲. فروغ الزمان فرّخ زاد (۱۹۶۷-۱۹۳۵) متولد تهران، دختر سروان محمد فرّخ زاد و بانو بتول (توران) وزیر تبار بود. فرّخ زاد تا کلاس نهم در مدارس دولتی به تحصیل پرداخت. در پانزده سالگی در پی فارغ التحصیلی از دبیرستان خسرو خاور به هنرستان دخترانه کمال الملک ملحق گردید تا خیاطی و نقاشی بیاموزد (دیوانوش ۱۹۳). فرّخزاد سرودن شعر را از سن ۱۴ سالگی و به دنبال مطالعه اشعار شعرای معاصرش آغاز کرد. در سال ۱۹۵۱، در شانزده سالگی با پسر عموی پدری‌اش، پرویز شاپور، پدر کاریکاتور در ایران ازدواج کرد و یک سال بعد اولین و تنها فرزندش کامیار شاپور را به دنیا آورد. در سال ۱۹۵۴، ازدواج آنها با شکست مواجه گردید و به دنبال آن فرّخزاد خود را وقف هنر و به ویژه شاعری کرد. دستاوردهای شاعرانه فرّخزاد شامل پنج کتاب است: اسیر (۱۹۵۵)، دیوار (۱۹۵۶)، عصیان (۱۹۵۸)، تولدی دیگر (۱۹۶۴) و ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد (۱۹۶۷). آخرین مجموعه پس از درگذشت وی به چاپ رسید. این شاعر بزرگ روز دوشنبه ۱۴ فوریه ۱۹۶۷ در یک تصادف رانندگی درگذشت و در گورستان ظهیرالدوله تهران به خاک سپرده شد.

۳. فاطمه برغانی (معروف به طاهره قره العین)، فرزند آمنه خانم قزوینی و ملا محمد صالح برغانی، در سال ۱۲۳۱ یا ۱۲۳۳ ش در قزوین متولد شد. در سال ۱۲۴۴ق به عقد ازدواج پسرعمویش، ملا محمد، در آمد و از او صاحب دو پسر و یک دختر شد. پس از ازدواج همراه شوهرش به کربلا سفر کرد. به مسلک شیخیه گروید و در پی اختلاف عقیده با همسرش از او جدا شد. پس از درگذشت سید کاظم رشتی، به جنبش بابیه پیوست. قره العین در جنگ میان قوای دولتی و بابیه در مازندران، در سال ۱۲۶۵ق، دستگیر و به تهران منتقل شد. بعد از تلاش برخی از بابیان برای سوء قصد به ناصرالدین شاه، در سال ۱۲۶۸، دستور اعدام وی صادر شد. در مورد چگونگی اعدام و محل دفن وی روایات متفاوتی موجود است (qajarwomen.org 2015).

4. Confessional Poetry

5. Chinua Achebe

۳. نتیجه

در درازنای حیطة هنر و ادب پارسی، زنان نویسنده هر چند اندک و پراکنده، با اقتدار و

صلابت به سرودن پرداخته‌اند. اما شعرشان عمدتاً در امتداد شعر سنتی مردانه سروده شده است. سروده‌های به جا مانده از شاعران زن اغلب همانند همتایان مردشان حاوی درونمایه‌هایی از فیصل، پند و اندرز، عشق به خداوند و مضامین اخلاقی و اجتماعی بوده است. مثلاً شعر رابعه سروده‌های رودکی را تداعی می‌کند؛ شعر مهستی همسو با اشعار سعد سلمان می‌باشد؛ اشعار ملک تاج خاتون به شعر حافظ مانده است، و طاهره قزوینی در محتوا و قالب شعری شباهت فراوان به اشعار مولوی و عبدالرحمان جامی دارد. در سده‌های پایانی هزاره دوم و به ویژه در عصر روشنفکری، تعلیم و تعلم همگانی و معاشرت با اندیشه‌های غربی موجبات شکوفایی تفکر و اندیشه را برای عام و خاص فراهم می‌سازد. این برهه فرصتی تاریخی برای حضور گسترده زن در ادب پارسی است. از میان چهره‌های برجسته دوره احیای ادبی می‌توان به نقش والای پروین اعتصامی در تکوین و تکامل شعر پارسی و اعتلای سنت ادبی زن اشاره کرد. او منطبق با شرایط زمانه خویش و بسان حافظ شیراز رندانه به انتخاب قالب، لحن و مضامین شعریش می‌پردازد تا زمینه موثر بیان دغدغه‌هایش را فراهم ساخته و با خواننده‌اش به گفتگو بنشیند. گزینش‌های ادبی اعتصامی و حتی وارد نشدن وی در برخی از حوزه‌های هنری نشان‌دهنده غفلت وی از این حوزه‌ها نیست بلکه به گفته پیر ماچری فیلسوف برجسته فرانسوی سکوت نویسنده در این حوزه‌ها گویاتر از سخن گفتن است و ارتباط مستقیم با ایدئولوژی زمانه نویسنده دارد (نقل از شمیسا ۲۲۱). فروغ فرخزاد در دوره دیگری به شعر و شاعری می‌پردازد. شرایط زمانه او نه تنها برای بیان و مکالمه، بلکه برای اعتراض و مقاومت در برابر معضلات مبتلابه زنان مساعدتر است. از این گذشته موضوع سبک‌های منتخب این دو شاعر نیز مطرح است. اعتصامی دلبسته رمانتسیسم می‌باشد؛ حال آنکه فرخزاد شاعری نوگرا و در تعارض با سنت است (سید رضایی ۱۳۸۹). بعلاوه دلتنگی‌های فرخزاد بخش لاینفکی از شخصیت وی به عنوان شاعر شعر صمیمانه^۴ می‌باشد.

مراجع

- آرین پور، یحیی. از صبا تا نیما. چاپ پنجم. دو جلد. تهران: زووار.
 اعتصامی پروین. (۱۳۸۴). دیوان [اشعار] پروین اعتصامی. تهران: جمهوری.
 بهترین اشعار پروین اعتصامی.
 حاکمی، اسماعیل. (۱۳۷۳). ادبیات معاصر ایران. تهران: اساطیر.

- دیانش، ایلیا. (۱۳۸۴). *اگر عشق، عشق باشد: گزین گویه‌های فروغ فرخزاد*. ج. دوم. تهران: مروارید.
- سلیم، غلامرضا. (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی ادبیات*. تهران: طوس.
- سید رضایی، ط. (بهار، ۱۳۸۹). زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد. *مجله‌ی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا*، ۱ (۱)، ۹۷-۱۲۳.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۶). *نگاهی به فروغ فرخزاد*. تهران: مروارید.
- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۳۲). *تاریخ ادبیات در ایران: از آغاز عهد اسلامی تا دوره سلجوقی*. تهران: ابن‌سینا.
- فرخزاد، پوران. (۱۳۸۰). *کسی که مثل هیچ کس نیست: در باره شاعر فروغ فرخزاد*. تهران: کاروان.
- فرخزاد، فروغ. (۱۳۷۸). *مجموعه اشعار فروغ فرخزاد به انضمام نامه‌های منتشر نشده*. زیر بروکن: نوید.

Achebe, Chinua. (Sep. 1981). The Novelist as Teacher: Chinua Achebe's Literature for Children. (No. 9), 7-18. Retrieved from <https://muse.jhu. Edu. Pdf>.

Christ, Carol P. "Nothingness, Awakening, Insight, New Naming." *Diving Deep and Surfacing: Women Writers on Spiritual Quest*. 2nd ed. Boston: Beacon Press, 1986.

Keirse, David (1998). *Please Understand Me II: Temperament, Character, Intelligence*. Del Mar: Prometheus Nemesis.

Women's Worlds in Qajar Iran. Retrieved from <http://www.qajarwomen.org /fa /people / 504.html> on 15. Dec. 2015.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی